

نگاهی کلان به انقلاب اسلامی

۴



- با استفاده از بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در سفر به استان فارس
- انتشارات صهبا
- ۵۹ صفحه
- ۵ هزار تومان

گفتاری است که شاکله آن، از تجمیع دو سخنرانی رهبر انقلاب در سفر اردیبهشت ۸۷ به استان فارس شکل گرفته است. سال ۸۷، سالی است که سی سال از انقلاب اسلامی سپری شده است. تحلیل کلان انقلاب اسلامی، موضوعی است که مقام معظم رهبری به صورت گذرا، در سال‌های مختلف به آن اشاره کرده‌اند اما در سفر سال ۸۷ به فارس این موضوع را مفصل و مبسوط بیان کرده‌اند.

گام تمدن‌ساز

۵



- بسط بیانیته گام دوم انقلاب با تکیه بر اسناد بین‌المللی
- سیدمحمدحسین راجی، سیدمحمدرضا خاتمی
- دفتر نشر معارف
- ۵۰ هزار تومان

در کتاب حاضر سعی شده است با تکیه بر اسناد معتبر تاریخی و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، ابتدائاً مستندات گزاره‌های بیانیته ارائه شود و در قدم بعد با استفاده از داده‌های اطلاعاتی منابع فوق‌الذکر بر اساس منطق تبیینی مقام معظم رهبری، بخش‌هایی از بیانیته از حالت اجمال درآمده و تفصیلی‌تر بحث شود.

عصر جدید

۶



- خوانشی از مفاهیم و راهبردهای بیانیته گام دوم
- سیدمحمدمهدی میرباقری
- مدن نوین اسلامی
- ۲۰۸ صفحه
- ۲۵ هزار تومان

موضوع محوری این کتاب، شرح مضامین بیانیته گام دوم و تبیین استراتژی انقلاب اسلامی به عنوان آغازگر عصر جدید در برابر عصر مدرن است؛ هم‌چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید...» «کتاب عصر جدید» به دال و هسته مرکزی بیانیته گام دوم و اهداف جانبی آن و راهکارهای تحقق آن از زبان آیت‌الله میرباقری می‌پردازد.



دنیاست و از باطن آن بی‌خبر. به‌بیانی دیگر، ادراک حسی از بود یا نبود غیب خبر نمی‌دهد. ادراک عقلی در صورت کامل بودن، به کلیات عوالم پی‌می‌برد؛ بدین معنا که با ادراک عقلی، اصل وجود حقیقت یا حقایقی که فایق بر انسان و جهان‌اند، اثبات می‌شود و بیش از آنکه به ویژگی‌های خاص باطن هر فرد و افعال او مربوط باشد، در گروه شناخت عالم غیب و باطن هستی است و این شناخت که با شهود غیب همراه است، از راه وحی صورت می‌پذیرد.»

جامعه‌شناس صدرایی

حمید پارسانیا (متولد ۱۳۳۷ در مشهد) استاد دانشگاه، پژوهش‌گر و نویسنده و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است. او فارغ‌التحصیل جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و از شاگردان آیت‌الله جوادی آملی و از افراد فعال در زمینه حکمت صدرایی است. پارسانیا علاوه بر عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران، ریاست دانش کده علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم، ریاست پژوهش‌گاه معارج و مسئولیت‌های متعدد دیگر را بر عهده دارد. پارسانیا در چالش با رویکردهای معرفتی مدرن؛ دغدغه بازسازی و احیای میراث معرفتی دنیای اسلام را همواره در کار خود تعقیب می‌کند. بازخوانی علم مدرن از طریق بازسازی علم دینی، روح حاکم بر بسیاری از اندیشه‌های انتقادی اوست و می‌کوشد حکمت صدرایی را در سطوح گوناگون فعال کند. او در زمینه علم دینی، علوم انسانی اسلامی، و فرهنگ نظریه‌پردازی کرده است. نظام فکری پارسانیا مبتنی بر اصول حکمت متعالیه صدرایی شکل گرفته است. از نظر او وحی قرآنی، عقل برهانی و شهود معصومانه عرفانی در طول هم هستند نه در عرض هم و تمسک به یک‌یک ما را از تمسک به دیگری بی‌نیاز نمی‌کند. از این‌رو در نظام فکری او، ضمن بهره بردن از عقل، نقل، و شهود، قرآن کریم قرارگاه تمامی علوم است. در نظام فکری او روش‌های مختلف فکری بر اساس روش عقل و نقل و شهود پذیرفته شده است.

«حقیقت و دموکراسی»، «پلورالیسم: زمینه‌های عقیدتی و اجتماعی»، «اندیشه سیاسی آیت‌الله مطهری»، «هفت موج اصلاحات: نسبت تئوری و عمل»، «سکولاریسم، مبانی معرفتی و سیمای اجتماعی سکولاریسم و معنویت»، «عرفان و سیاست»، «جامعه‌شناسی معرفت و علم»، «رحیق مختوم: شرح حکمت متعالیه» و «علم و فلسفه» از دیگر آثار پارسانیا هستند.



کدام گروه نقش اصلی را در ساختارسازی انقلاب ایران ایفا کرد؟ آیا گروه دینی نقش رهبری را به عهده داشت، یا اصولاً برنامه‌های برای ایجاد انقلاب وجود نداشت و این گروه نیز در این زمینه نقشی در سر نداشت؟ آیا ایده‌های انقلاب در سر افرادی قرار داشت که به روشن‌فکران دینی موسوم‌اند یا تمامی شناخته‌شدگان در فضای فرهنگی ایران حضور داشتند؟ و دیگر آنکه شهیدان زیادی که تقدیم انقلاب شد، عمدتاً به چه گروه‌هایی تعلق داشتند؟

به هستی دین‌مدارانه باشد، چون همه ابعاد زندگی مادی خود را در احاطه غیب می‌داند، هیچ‌گاه در مناسبات و رفتار طبیعی خود، از باطن امور - که نسبت به ظاهر نقشی تعیین‌کننده دارد - غافل نمی‌شود و بر این اساس کردار فردی و اجتماعی خود را تبیین یا توجیه می‌کند. احاطه و حضور غیب، به شهادت و به جای جای زندگی آدمی رنگی دینی می‌بخشد و به همین رو نظریه جدایی دین از زندگی فردی یا اجتماعی و یا جدایی دین از حوزه زندگی طبیعی، تنها در پرتو نگاهی غیردینی به عالم و آدم ترسیم می‌شود.»

به گفته پارسانیا انسان در صورت انکار عالم غیب، باورهای دینی را به‌صورت بخشی از هستی خود که مربوط به ذهن یا وجدان فردی یا غرایز افراد است، تصویر می‌کند، ولی در صورت نگرشی دینی به هستی، به غیب و باطنی باور خواهد داشت که در عرض وجود او یا وجود اشیای دیگر نیست، بلکه محیط بر امور است؛ آن‌سان که هیچ واقعیتی بدون توجه بدان قابل بررسی و شناخت نیست و در ادامه می‌نویسد: «ترسیم حقیقتی که از یک‌سو با همه چیز و در همه احوال بوده و با این حال مربوط به باور و زندگی فردی افراد باشد و از دیگر سو در زندگی طبیعی و اجتماعی انسان حضور نداشته و نقشی را نیز ایفا نکند، تصویری تناقض‌آمیز و بی‌معناست و به همین رو در فرهنگ‌های دینی نمی‌توان الفاظی را که بیان‌گر این‌گونه جدایی باشند، یافت. این‌گونه الفاظ که در فرهنگ لائیک و غیردینی به کار می‌روند، آن‌هنگام که به محدوده فرهنگ‌های دینی انتقال یابند، هیچ‌گاه معنایی مناسب نمی‌یابند؛ مانند واژه «سکولاریسم» که در کشورهای اسلامی به علمانیت، جدایی دین از دنیا، یا جدایی دین از سیاست و عبارت‌هایی که گاه مشتمل بر چند لفظ است، ترجمه شده اما با این وصف هم‌چنان در انتقال مراد و معنا، با کاستی و نقصان روبه‌رویم.»

به باور نویسندگان «حدیث پیمانه» نگاه دین‌مدارانه به عالم سبب می‌شود که آدمی همه احوال فردی و اجتماعی خود را به خطا یا به صواب، توجیه دینی کند. مثلاً وقتی از حضور در بخشی از فعالیت‌های زیستی و اجتماعی دوری می‌کند، این را نیز وظیفه‌ای دینی می‌داند؛ مانند اینکه می‌گویند مسیح فرمود: دنیا را به قیصر واگذار کنید و یا چون به گونه شما سیلی زدند، گونه دیگر را پیش آورید: «توجیه و تبیین دینی زندگی، از راه آگاهی به غیب حاصل می‌شود که بی‌گمان فراتر از ادراک حسی و عقلی است؛ زیرا ادراک حسی مربوط به ظاهر زندگی